



The Methodology of Detecting the Intention of the Lawmaker (*Midhāq-i Shāri'*) (A Case Study : Verdicts of Revoking from Husband to Wife)

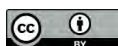
Abdul-Hamid Vaseti, Assistant Professor, Research Institute for Islamic Culture and Thought

Email: hvaseti@yahoo.com

Abstract

The Intention of the Lawmaker (*Midhāq-i Shāri'*) is one of the recurring proofs in jurisprudence (*fiqh*) in order to obtain religious verdicts. However, jurisprudential and *Usūli* books have not dedicated independent chapters for the refining of this subject. The present study aims at achieving a clear definition of the term and the method of detecting it in the field of *Ijtihād* and jurisprudence. The study concludes that the Intention of the Lawmaker (*Midhāq-i Shāri'*) includes the following: the resultant of the understanding of the jurist from a network of propositions indicating the epistemological system of religion, the characteristics of the lawyer, humanity, and society, the purposes of *Sharī'a*, the collection of legal verses (*Āyāt al-Sharī'a*), the collection of jurisprudential principles, the priorities of the lawyer and his preferences, similarities and analogies in rulings with *Shrī'a* interpretation, the collection of definitive rulings in determining the boundaries of *Wājib* (obligatory) and *Harām* (prohibited) acts, the collection of definitive verdicts in determining the lawyer's desirable actions concerning *Mustahabāt* (recommended acts) and *Makrūhāt* (discouraged acts), and practical principles (*Usūl*). The present article outlines fifteen steps in understanding the aforementioned issues. These have been applied in a case study of the Intention of the Lawmaker (*Midhāq-i Shāri'*) in the matter of a husband revoking his gift from his wife.

Keywords: Jurisprudence (*Ijtihād*), methodology, *Ijtihād* algorithm, the Intention of the Lawmaker (*Midhāq-i Shāri'*), gift of husband.





HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/	سال ۵۵ - شماره ۴ - شماره پیاپی ۱۳۵ - زمستان ۱۴۰۲، ص ۲۶۳ - ۲۳۷
شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۳۸۹۲	شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۳۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۲	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱
DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2022.78916.1451	نوع مقاله: پژوهشی

روش‌شناسی کشف مذاق شارع (مطالعه موردی حکم رجوع در هبه زوج به زوج)

عبدالحمید واسطی

استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

Email: hvaseti@yahoo.com

چکیده

مذاق شریعت از جمله مستندات پرتکرار فقه برای دستیابی به حکم شرعی است؛ با وجود این، سرفصل مستقلی در کتب فقهی و اصولی برای تفتیح این مبحث منعقد نشده است. مسئله این نوشتار، رسیدن به تعریفی روشن و چگونگی کشف این مذاق در میدان اجتهاد و تفقه است. حاصل این جستار اینکه مذاق شارع عبارت است از: برابری فهم فقیه از شبکه‌ای از گزاره‌های دال بر نظام معرفتی دین، متضمن خصوصیات شارع و انسان و جامعه، مقاصد الشریعه، مجموعه آیات الاحکام، مجموعه قواعد فقه، اولویت‌های شارع و مصلحت‌های او، اشیاء و نظائر حکم با قرانت شیعی، مجموعه احکام قطعی تعیین‌کننده مرزهای واجب و حرام، مجموعه احکام قطعی تعیین‌کننده مطلوب شارع در زمینه مستحبات و مکروهات، اصل‌های عملی. در این جستار، مراحل پانزده‌گانه‌ای برای برابری از موارد فوق، تبیین شده و در یک مطالعه موردی بر کشف مذاق شارع در مسئله رجوع زوج از هبه به زوج تطبیق داده شده است.

واژگان کلیدی: فقهت و اجتهاد، روش‌شناسی، الگوریتم اجتهاد، مذاق شارع، هبه زوج.

مقدمه

مواجهه با استندهای مکرر فقها به «مذاق الشارع» یا مترادف‌هایی مانند روح الشریعه، مذاق فقه، مذاق اصحاب، شَمّ الفقاهه، دَابّ الشارع،^۱ نشان‌دهنده طریقت^۲ و قرینیت^۳ آن برای کشف حکم است. تعابیری، مانند تعابیر زیر بیانگر اهمیت مذاق شارع در عملیات استنباط است:

«فهم الأصحاب مقدّم، لأنهم أدری بمذاق الشارع وأعلم»،^۴ «نظرا إلى عموم الملاك المستفاد من مذاق الشارع»،^۵ «انما التزمنا بذلك لعلنا من مذاق الشارع».^۶

در کتب فقهی و اصولی، بحث مستقلی در خصوص شاخص‌های مذاق شارع و چگونگی دستیابی به آن بیان نشده است؛^۷ یکی از مذاق‌پژوهان نیز چنین آورده است: «دستیابی به یک متدولوژی برای دستیابی به مذاق، نیاز به اندیشه بیشتر و کاوش دارد».^۸

دقیق‌سازی استناد به مذاق شارع، حداقل دو اثر معنادار خواهد داشت: ا. ایجاد ضابطه برای قضاوت در استندهای فقهی؛ ب. ایجاد ضابطه و روش برای استفاده از مذاق در استنادات فقهی.

مسئله اصلی این نوشتار را می‌توان با این عبارت بیان کرد: چگونه مذاق شارع را کشف کنیم؟ (مراحل قدم‌به‌قدم برای کشف مذاق شارع - الگوریتم کشف مذاق شارع - چیست؟)

پاسخ پیشنهادی به این مسئله را می‌توان چنین بیان کرد: برای کشف مذاق شارع که نظام فکری شارع در تولید نظریه‌های فقهی است و حجیت آن از باب تراکم قراین منجر به ظن اطمینانی است، باید حداقل پنج مرحله اصلی^۹ زیر به ترتیب طی شود: ۱. عرضه موضوع و متعلق موضوع مدّ نظر به اشباه و نظائر (براساس قرائت شیعی)؛ ۲. عرضه به آیات الأحکام و جدول قواعد فقهی؛ ۳. عرضه به مقاصد الشریعه؛ ۴. عرضه مسئله به مصالح و مفاسد (براساس قرائت شیعی)؛ ۵. عرضه به «الاولویات». مقصود از «عرضه مسئله» نیز اجرای عملیات کشف میزان تناسب حکم و موضوع است.

۱. صاحب جواهر، در موارد متعدد از این تعابیر استفاده کرده است (نک: صاحب جواهر، جواهر الکلام، ۶۱۷/۴، ۲۸۳/۳، ۳۵۰/۹، ۴۷۳/۱۲ و...).

۲. یعنی از جنس ادله مُحَرَّزَه است.

۳. یعنی به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه در رسیدن به تراکم ظنون یا ترجیح‌ها یا تنقیح موضوع حکم مؤثر است (لجنة الفكر المعاصر، الفائق فی اصول الفقه، ۲۳۳ تا ۲۳۴).

۴. انصاری، مکاسب، ۲۵۲/۲.

۵. اصفهانی، حاشیه مکاسب، ۴۲۵/۲.

۶. حلی، دلیل العروة الوثقی، ۱۷۵/۲.

۷. در کتاب جدید الأثر «الفائق فی اصول الفقه»، سرفصل «مذاق الشرع» به عنوان بحث مستقل مطرح شده است که در این مقاله اشاراتی به آن خواهد شد.

۸. حکمت‌نیا، «مذاق شریعت»، ۱۶.

۹. این چهار مرحله، در قسمت چگونگی اجرایی به پانزده دستورالعمل گسترش یافته است.

در خصوص پیشینه بحث می‌توان گفت: علاوه بر کتاب «الفائز فی اصول الفقه»، کتاب «مفهوم و حجیت مذاق شریعت در فرآیند استنباط احکام فقهی»^{۱۱} به تفصیل به بحث مذاق شارع پرداخته است. همچنین مقالات زیر بر این بحث متمرکز شده‌اند: «مذاق شریعت»،^{۱۱} «مذاق شرع در کیفیت و اعتبار»،^{۱۲} «مذاق شریعت، جستاری در اعتبارسنجی و کارآمدی»^{۱۳} که مقاله اخیر نقد شده و این نقد در مقاله‌ای با عنوان «چیستی مذاق شریعت و آسیب‌شناسی فقهی آن»^{۱۴} منتشر شد، سپس مؤلف مقاله، به این نقد در مقاله‌ای با عنوان «استنادپذیری مذاق شریعت؛ تأملات و پرتوها»^{۱۵} پاسخ گفت. این رفت‌وبرگشت علمی، ثمرات مفیدی در تنقیح بحث مذاق شارع داشته است.

تمایز این مقاله‌ها با نوشتار حاضر، در رویکرد الگوریتمی مقاله حاضر است؛ در هیچ‌کدام از منابع فوق، روش قدم‌به‌قدم برای کشف مذاق شارع ذکر نشده است. ساختار مقاله نیز از بررسی و تحلیل تعریف مذاق، آغاز و تمایز آن با موارد مشابه؛ مانند استحسان و تنقیح مناط ارائه می‌شود، سپس به بررسی و تحلیل مراحل کشف مذاق می‌پردازیم و در نهایت، این مراحل در ضمن مسئله فقهی «حکم رجوع زوج از هبه به زوجه» تطبیق می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

مفاهیم کلیدی در این نوشتار عبارت‌اند از: روش، روش‌شناسی، الگوریتم و مذاق شارع.

أ. روش و روش‌شناسی: «روش، تعیین مراحل انجام یک کار است و روش‌شناسی، بیان اصول نظری و چهارچوبی است که مسئولیت‌روایی و پایایی تولید معرفت و استفاده از یک روش را به‌عهده دارد.»^{۱۶} براساس این تعریف، باید نظریه‌های پشتیبان از روایی (حجیت) و پایایی مذاق شارع و نیز مراحل دستیابی به مذاق شریعت بیان شود.

ب. الگوریتم: «اصطلاح الگوریتم از ریاضیات اخذ شده است و به‌معنای تعیین منطقی مراحل قدم‌به‌قدم حل یک مسئله یا انجام یک کار است؛^{۱۷} در الگوریتم‌ها، این مراحل باید به‌گونه‌ای بیان شود که

۱۰. علی‌شاهی، مفهوم و حجیت مذاق شریعت در فرآیند استنباط احکام فقهی.

۱۱. حکمت‌نیا، «مذاق شریعت»، ۲۸ تا ۹.

۱۲. قادری، «مذاق شرع در کیفیت و اعتبار»، ۹۰ تا ۷۸.

۱۳. عدلیب‌همدانی و ستوده، «مذاق شریعت، جستاری در اعتبارسنجی و کارآمدی»، ۱۴ تا ۱۰۶.

۱۴. عشایری‌منفرد، «چیستی مذاق شریعت و آسیب‌شناسی فقهی آن»، ۱۳۹ تا ۱۱۵.

۱۵. عدلیب‌همدانی و ستوده، «مذاق شریعت، جستاری در اعتبارسنجی و کارآمدی»، ۱۰۱ تا ۷۷.

۱۶. ایمان، فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، ۲۱ و ۳۹.

۱۷. فرهنگستان ادب فارسی، دفتر اول.

تمام جزئیات اجرایی با رعایت ترتیب و تعیین نقطه شروع فرایند تا نقطه پایان آن، بدون هیچ حفره و پرشی در مراحل اجرایی باشد و تمام عملکردهای ناخودآگاه و ارتکازی به خودآگاه تبدیل شوند.^{۱۸} الگوریتم‌ها ابزاری برای دقیق‌سازی روش‌ها هستند. توضیحات تفصیلی‌ای درباره الگوریتم و استفاده از آن در فرایند اجتهاد در مقاله «ماهیت‌شناسی الگوریتم اجتهاد» از همین قلم آمده است.^{۱۹}

ج. مذاق شارع: «ما يتقدح في ذهن المجتهد من تتبع الأدلة بالانبعث عن الذوق السليم والإدراك المستقيم بحيث يكون مفهوما له من مجموع الأدلة»؛ مذاق شارع، معنایی است که در ذهن مجتهد روشمند براساس برآیند حاصل از بررسی مجموعه ادله شرعی حاصل می‌شود.^{۲۰}

در کتاب جدیدالأثر «الفائق في اصول الفقه» نیز مقصود از مذاق و سپس تعریف مذاق شارع بیان شده که ترجمه آن چنین است: «مراد از مذاق شارع، روش و رویکرد و عملکرد شارع در جعل احکام است که از مجموعه دستورها و مبانی و موضع‌گیری‌های او به دست می‌آید، به طوری که می‌توان در موقعیت‌هایی که به‌صراحت، حکمی بیان نکرده است، حکم او را به‌دست آورد.»^{۲۱}

توضیح و تحلیل این تعاریف و تمایزهای آن با موارد مشابه در ادامه ذکر شده است.

۲. بررسی و تحلیل هویت مذاق شارع (شناخت‌های مذاق شارع و زیرساخت‌های آن)

صاحب‌جواهر در عبارتی که از ملخص آن، توصیف مذاق شارع به دست می‌آید، چنین آورده است: «فقیه حرفه‌ای که راه و روش و طرز گفتارهای شارع را می‌شناسد، برای بسیاری از احکام، از اصول کلیه‌ای که از چهارچوب‌های شارع آمده است، استفاده می‌کند.»^{۲۲} این تعابیر و تعبیری که در تعریف اولیه از مذاق شارع در قسمت مفاهیم ذکر شد، به هسته‌ای مرکزی اشاره دارد که عبارت است از: «طرز تفکر و عملکرد منضبط» که مبتنی بر اصول و چهارچوب‌های پیشینی است، به‌خصوص با توجه به نمونه استنادهایی که فقها در تحلیل‌های خودشان داشته‌اند؛ مانند استناد به عقلایی بودن، کرامت و آبروی انسان، همسوی بودن

۱۸. دانشگاه آکسفورد، فرهنگ‌نامه ریاضیات، ۲۹.

۱۹. واسطی، الگوریتم اجتهاد، ۲۲۱.

۲۰. کاشف الغطاء، کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء، ۳۲.

۲۱. لجنة الفقه المعاصر، الفائق في اصول الفقه، ۲۵۶. متن کتاب، با این تعابیر است: «المراد من مذاق الشرع أو ذوق الشرع، منهج الشارع ومشربه وطريقته التي نستكشف من مجموع احكامه و مبانيه و مواقفه او مجموعه منها، بحيث يمكن لنا تحديد موقف الشارع المقدس تجاه ما لم يخبرنا بموقفه فيه.»

۲۲. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۴۰۳/۱. عین عبارت ایشان چنین است: «لا يخفى عليك أنه لا يليق بالفقيه الممارس لطريقة الشرع العارف للسانه أن يتطلب الدليل على كل شيء شيء بخصوصه من رواية خاصة ونحوها، بل يكتفي بالاستدلال على جميع ذلك بما دل على تعظيم شعائر الله وبظاهر طريقة الشرع المعلومة لدى كل أحد.»

با عدالت، همسو بودن با لطف الهی، انطباق با مصلحت، عدم ضرر و عدم عسرو حرج، لزوم هدایت مردم، احترام نعمت‌های الهی و

این توصیف از هسته مرکزی مذاق شارع، در زیرساخت‌ها همسو با اصطلاحی، مانند: «نظام فکری، الگوی معرفتی و پارادایم» است و در لایه بعد از زیرساخت‌ها، همسو با اصطلاحی، مانند: «نظریه‌های پشتیبان و راهنما» است؛ با این توضیح که، هر دیدگاهی، مبتنی بر مبادی تصوری و تصدیقی است؛ از این مبادی تصدیقی، به نظریه‌های پشتیبان تعبیر می‌شود و هر کدام از مبادی تصدیقی، مبتنی بر اصول موضوعه‌ای است که منتهی به بسته گزاره‌ای پایه عمومی می‌شود؛ یعنی گزاره‌های عقلی بین و گزاره‌های وجودشناسانه منتهی به بدیهیات و ملحقات آن‌ها؛ مثلاً دیدگاه «تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعیه» که در دانش اصول فقه در بحث حجیت و جعل احکام ظاهری به کار می‌رود مبتنی بر نظریه «مطابقت تشریح و تکوین» و آن هم مبتنی بر نظریه «جریان حکمت الهی در تشریح» و آن هم مبتنی بر نظریه «جریان حق در هستی» و آن هم مبتنی بر نظریه «مساوقت حق با صرف الوجود» (یا هر تقریر دیگری در تعریف وجودشناسانه حق) است. در فضای فقه نیز مثلاً اثبات جرم، مبتنی بر حداقل چهار قاعده فقهی است که عبارت‌اند از: قاعده یمین (البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر)، قاعده دوگانه اقرار (اقرار العقلاء علی انفسهم جایز و لا انکار بعد الإقرار) و قاعده درء (الحدود تُدرء بالشبهات)؛ که خود قاعده یمین، مبتنی بر قاعده اصالة الصحة است و آن هم مبتنی بر نظریه کارکردگرایانه «نیاز بقای جامعه به غلبه خیر» یا نظریه انسان‌شناسانه «غلبه فطرت و خیر بر هوای نفس و شر در انسان» است و آن هم مبتنی بر نظریه «روح الهی بودن اصل وجود انسان» است.

زیرساخت‌های هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه، انسان‌شناسانه، روش‌شناسانه، ارزش‌شناسانه، شاکله یک «الگوی معرفتی و نظام فکری عام یا پارادایم» را ایجاد می‌کنند^{۲۳} و امتداد اول آن، «الگوی معرفتی و زیرساخت‌های علم تغذیه‌کننده» را شکل می‌دهد، مانند: دانش کلامی شیعی و در امتداد دوم، «الگوی معرفتی و زیرساخت‌های یک علم تغذیه‌شونده» را ایجاد می‌کند؛ مانند دانش فقه امامیه و در امتداد سوم، نظریه‌های کلان در آن علم را شکل می‌دهد، مانند: فقه القرآن و القواعد الفقهیه و در امتداد چهارم، حکم مسائل میدانی را تولید می‌کند، مانند: آرا و فتاوی فقهی.

مذاق شریعت، برابند این الگوهای معرفتی و این نظریه‌های کلان و همچنین ترابط میان آرای میدانی فقهی است. در تعبیر دیگر، مذاق شارع عبارت است از: برابند فهم فقیه از شبکه‌ای از گزاره‌های دال بر

۲۳. حسین زاده، پارادایم، افسانه یا واقعیت؟، ۱۲۰.

نظام معرفتی دین، متضمن خصوصیات شارع و انسان و جامعه، مقاصد الشریعه، مجموعه آیات الاحکام، مجموعه قواعد فقه، اولویت‌های شارع و مصلحت‌های او، اشباه و نظائر حکم با قرائت شیعی، مجموعه احکام قطعی تعیین‌کننده مرزهای واجب و حرام، مجموعه احکام قطعی تعیین‌کننده مطلوب شارع در زمینه مستحبات و مکروهات، اصل‌های عملی.

براساس تعریف فوق، مشخص می‌شود که: ا. مذاق شارع، اعم از مقاصد الشریعه و مصالح و اشباه و نظائر است؛ ب. اعتبار و حجیت مذاق شارع، از باب تراکم قراین منجر به ظن اطمینانی است؛^{۲۴} ج. برای کشف مذاق شارع باید مجموعه‌هایی از گزاره‌های توصیفی و تجویزی شارع را بررسی کرد و برابند گرفت و از آنجایی که دستیابی به مهارت کشف مذاق شارع نیازمند احاطه بر این مجموعه‌هاست، به سبب نزدیک شدن به فضای عملیاتی، نمونه‌هایی از این موارد در قسمت بعد ارائه می‌شود و در ضمن آن‌ها، ترتیب عملکرد و نحوه برابندگیری عرضه می‌شود.

نکته مهم: استفاده از مذاق شارع در استنادات فقهی، پس از عدم احراز ظهور ادله نقلی و دست‌نیافتن به مناسبت حکم و موضوع و جاری نشدن تقیح مناظ و اجرانشدن مفهوم‌گیری از دلیل و عدم وجود اجماع و عدم احراز سیره قطعیۀ عقلانیۀ در خصوص مسئله مدّ نظر است. بنابراین، استفاده از هرکدام از موارد فوق، برای کشف مذاق شارع به معنای خاص (در عرض ادله بودن) صحیح به نظر نمی‌رسد؛ البته هرکدام از آن‌ها مؤید مذاق شارع به معنای عام در مسئله مدّ نظر است.

۳. نمونه امتدادهای الگوهای فکری تشکیل‌دهنده مذاق شارع و مراحل امتدادگیری

۳.۱. جدول زیر نمونه‌ای از امتداد مبانی کلامی در زیرساخت‌های دانش فقه است.^{۲۵}

ردیف	زیرساخت مدّ نظر	نتایج و آثار
۱.	<p>نمونه زیرساخت‌های مصدرشناختی دین:</p> <ul style="list-style-type: none"> • عدالت، حکمت و لطف خداوند • شئون مختلف شارع 	<p>هدف‌داری هستی و انسان</p> <p>هدف‌داری دین</p> <p>صدق و انطباق گزاره‌های خبری دین با واقعیت</p> <p>شان تعلیم، هدایت‌گری و رشد‌دهندگی دین</p>

۲۴. صاحب‌جوهر، جواهر الکلام، ۳۱۰/۳۰.

۲۵. ساختار این جدول از نظریه «ابتداء» آیت‌الله رشاد اتخاذ شده است (نک: رشاد، علی‌اکبر، نظریه ابتداء، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، طهران، ۱۳۸۹).

ردیف	زیرساخت مدنظر	نتایج و آثار
		<p>تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی</p> <p>حسن و قبح عقلی</p> <p>وجود تناسب میان نیازها و امکانات و تکالیف</p> <p>اختصاص تشریح به خداوند</p>
.۲	<p><u>نمونه زیرساخت انتقال شناختی دین</u></p> <ul style="list-style-type: none"> • عصمت در دریافت وحی، فهم وحی، انتقال وحی • عدم تحریف قرآن 	<p>معناداری گزاره‌های حیانی</p> <p>حجیت ظاهر قرآن</p> <p>حجیت قول و فعل و تقریر معصوم</p> <p>معرفت بخشی زبان دین</p> <p>حجیت بخشی فهم روشمند دین</p>
.۳	<p><u>نمونه زیرساخت هویت شناختی دین:</u></p> <ul style="list-style-type: none"> • فطری بودن دین • هدایتگری دین • حکیمانه و عقلانی بودن دین • جهان شمولی دین • کمال و جامعیت دین 	<p>قابل فهم بودن همگانی زبان دین</p> <p>استتقاق پذیری گزاره‌های دین</p> <p>محوریت ماتن در فهم متن</p> <p>وجود معیار برای سنجش صحت و سقم فهم از دین</p> <p>منسجم بودن شبکه گزاره‌های دین</p> <p>معناداری گزاره‌های دین در زمان‌ها و مکان‌ها و مصادیق دیگر</p>
.۴	<p><u>نمونه زیرساخت مخاطب شناختی دین:</u></p> <ul style="list-style-type: none"> • حجیت عقل • مختار بودن انسان • مکلف بودن انسان • شئون مختلف انسان • دنیایی بودن زیست‌گاه انسان 	<p>روشمنندی فهم دین</p> <p>خردپذیر بودن گزاره‌های دین</p> <p>اشتراک احکام میان همه انسان‌ها</p> <p>قبح عقاب بلا بیان</p> <p>توجه به همه ابعاد نیازهای انسان</p>
.۵	<p><u>نمونه زیرساخت فهم شناختی دین:</u></p>	<p>امکان فهم صحیح و ثابت از دین</p>

ردیف	زیرساخت مدنظر	نتایج و آثار
	<ul style="list-style-type: none"> • خطاب وحی به تمام انسان‌ها تا انتهای تاریخ • خطاب براساس لسان متعارف بشری • عقلانی بودن وحی • چندلایه‌ای بودن وحی • انسجام وحی 	<p>حجیت فهم روشمند از دین (معدّر و منجز بودن)</p> <p>اعتبار عقل در فهم دین</p> <p>اعتبار قواعد عقلایی حاکم بر زبان در فهم دین</p> <p>امکان چندمعنایی در گزاره‌های دین</p> <p>شبکه‌ای بودن فهم در گزاره‌های دین</p>

۲.۳. در مرحله اول، از الگوی کلامی فوق امتدادگیری می‌کنیم که در این امتدادگیری می‌توان مقاصد الشریعه و اهداف دین را به دست آورد که ارائه مصادیق خاص برای خلقت و انسان و تشریح است؛ نمونه‌ای از این اهداف در جدول زیر بیان شده است:

ردیف	هدف استخراج شده	مستند روایی
۱	خداباوری، تفکر درباره خداوند، فهم خداوند، توحید	مَا بَعَثَ اللَّهُ أَنْبِيَاءَ وَرُسُلَهُ إِلَىٰ عِبَادِهِ إِلَّا لِيُعْقِلُوا عَنِ اللَّهِ ^{۲۶}
۲	متوجه‌سازی به موقعیت انسان در هستی و مسئولیت‌هایش	لِيَسْتَأْذِنُوا مِنْهُمْ مِيثَاقَ فَطْرَتِهِ وَ يَذْكُرُوهُمْ مَنْسَىٰ نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِم بِالتَّبْلِيغِ ^{۲۷}
۳	فعال‌سازی عقل و ادراک و عمل طبق یقین و آگاهی	يُثَبِّرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ ^{۲۸}
۴	حرکت دادن به سمت خوبی‌ها و جلوگیری از حرکت به سمت بدی‌ها	غَايَةُ الدِّينِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ إِقَامَةُ الْحُدُودِ ^{۲۹}
۵	حرکت دادن قلب به سمت تمرکز بر خداوند	غَايَةُ الدِّينِ الْإِيمَانُ ^{۳۰} الدعاء عماد الدين ^{۳۱}

۲۶. کلینی، کافی، ۱/۱۶۱.

۲۷. کلینی، کافی، ۱/۱۰۱.

۲۸. امام علی علیه السلام. نهج البلاغه، خطبه ۱

۲۹. نوری، مستدرک الوسائل، ۱۲/۱۸۵.

۳۰. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ۴۶۸.

۳۱. علی بن موسی (ع)، امام هشتم، صحیفه الرضا، ۶۵.

۶	فهم پیام خداوند	عرصه الاسلام القرآن ^{۳۲}
۷	همیاری و همراهی و مددسانی به یکدیگر، استحکام و گسترش ارتباطات	العدل، الاحسان، التعاون، البر، صلة الارحام، الصدقه
۸	وفای به عهد، امانت‌داری، صداقت	الوفاء بالعهد، اداء الامانة، الصدق ^{۳۳}
۹	روحیه تسلیم در برابر حق	غَايَةُ الْإِسْلَامِ التَّسْلِيمُ ^{۳۴}
۱۰	مدیریت تمایلات و احساسات	التقوى و الورع (عماد الاسلام الورع) ^{۳۵}
۱۱	ارتباط مستحکم با کانون‌های علم و حیات ملکوتی	أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ^{۳۶}
۱۲	حذف عادات تولیدشده براساس خودمحوری (عاق والدین، قتل، تهمت، زنا، ربا، غضب، فرار از حق، سحر و جادو، دروغ، دزدی، کتمان حق، شراب‌خواری، قضاوت به ناحق،...)	مَا مَحَقَّ الْإِسْلَامَ مَحَقَّ الشَّخْشِ شَيْءٌ ^{۳۷} من الكَبَائِرِ عقوق الوالدين، قتل النفس التي حرم الله، اكل مال اليتيم و... ^{۳۸}
۱۳	رشد دادن مردم	اِسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا ^{۳۹}
۱۴	پیشرفت، توسعه و آبادانی، تولید ثروت	جبايه خراجها؛ عِمَارَةَ بِلَادِهَا ^{۴۰}
۱۵	ایجاد امنیت	مُجَاهَدَةَ عَدُوِّهَا ^{۴۱}
۱۶	بقای نسل، بقای نفس، بقای دین، بقای عرض، بقای جامعه، بقای مال و...	صِلَّةُ الْأَرْحَامِ مَنَّمَا لِّلْعَدَدِ، الْقِصَاصُ حَقَّنَا لِلدَّمَاءِ، الْحَجَّ تَسْنِيَةً لِلدِّينِ، تَرْكُ السَّرِقَةِ إِجَابًا لِلْعَفَّةِ، الطَّاعَةَ نِظَامًا لِلْمِلَّةِ، تَوْفِيَةَ الْمَكَايِلِ وَ الْمَوَازِينَ تَعْمِيرًا لِلْبَيْتِ ^{۴۲}

۳۲. کلینی، کافی، ۴/۲.

۳۳. کلینی، کافی، ۸۶/۱.

۳۴. کلینی، کافی، ۸۶/۱.

۳۵. کلینی، کافی، ۸۴/۲.

۳۶. کلینی، کافی، ۸۴/۲.

۳۷. کلینی، کافی، ۸۴/۲.

۳۸. کلینی، کافی، ۲۸۷/۲.

۳۹. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ۱۲۶.

۴۰. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ۱۲۶.

۴۱. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ۱۲۶.

۴۲. ابن‌بابویه، کتاب من لایحضره الفقیه، ۵۶۸/۳.

- «شاطبی»، از فقهای مالکی درباره اهداف دین، کتابی به نام «الموافقات» تألیف کرده و برخی از قواعدی که از اهداف شریعت به دست می‌آیند را چنین توصیف کرده است:^{۴۳}
۱. شارع در پی تأمین ضروریات فردی، نیازمندی‌های فردی و جمعی و عوامل رشد است.
 ۲. شارع در پی جلوگیری از اخلال و فساد در زندگی، از بین بردن سختی‌ها و ایجاد گشایش است.
 ۳. ضروریات فردی، پنج مورد است: حفظ دین، نفس، عقل، مال، ناموس.
 ۴. قصد شارع، مشکل‌سازی و زحمت برای بندگان نیست.
 ۵. اصل در احکام، بر اعتدال و میانه‌روی است.
 ۶. ارزش اعمال، به اهداف ملحوظ‌شده در آن‌هاست.
 ۷. هرچه مکمل، مقصودی شرعی باشد، خود نیز بالتبع مقصود خواهد بود.
 ۸. سکوت شارع، یعنی قصد توقف در قانونگذاری در همان حد.
 ۹. قصد شارع، استمرار در اعمال است، لذا باید عملی متعادل وضع کند تا استمراریافتنی باشد و البته مشقت هر عمل، با زمینه و هدف آن عمل و موقعیت روحی مکلف در آن سنجیده و نسبت‌گیری می‌شود.
 ۱۰. مراعات نکردن اهداف کم‌اهمیت‌تر، زمینه‌ساز مراعات نکردن اهداف مهم خواهد شد (مقاصد میانی، قرقگاه مقاصد اصلی هستند).
- نظریه مقاصد، به مجموعه معارف و احکام، همبستگی و جهت می‌دهد و هرم مصلحت و مفسده واقعی را براساس نظر دین بر پا می‌کند. شریعت که مبتنی بر حکمت الهی است باید به صورت نظامی مجموعی که با اهداف خود هماهنگ است، ارائه شده باشد. هدف شارع، خارج کردن نفوس از اطاعت هوای نفس و ورود در اطاعت عقل است. شرع، کشش‌های حیوانی نفس را مهار و معتدل می‌کند، پس هر عملی که در پی هوای نفس باشد باطل است. شارع از مکلف می‌خواهد که قصدش در عمل موافق با هدف شارع در تشریح باشد.^{۴۴}
- ۳.۳. در مرحله دوم، از الگوی مقاصد الشریعه امتدادگیری می‌شود که در این امتدادگیری، تأثیر مقاصد الشریعه در قاعده‌سازی برای فقه به دست می‌آید (شکل‌گیری القواعد الفقہیه). بیش از صد قاعده فقهی وجود دارد که جدول زیر برخی از آن‌ها را با اشاره به نقطه ارتباطی با اهداف دین ارائه کرده است:

۴۳. شاطبی، الموافقات، تلخیص ۱۹۶تا۱۶۹.

۴۴. ریسونی و اسلامی، اهداف دین از دیدگاه شاطبی، تلخیص ۱۹۶تا۱۶۹.

ردیف	نام قاعده	توضیح	هدف مرکزی این قاعده
۱	الإبراء	اسقاط حق خود از ذمه دیگری جایز است.	تسهیل در روابط و اختلافات
۲	الإتلاف	اگر کسی مال دیگری را تلف کند ضامن است.	حفظ اموال و حقوق
۳	احترام مال المسلم و عمله	اگر کسی برای انسان کاری انجام داد، باید اجرت او پرداخت شود.	حفظ حقوق و کرامت انسان
۴	الإحسان	کسی که حُسن فاعلی دارد توبیخ نمی شود.	ایجاد استحکام در روابط اجتماعی و مددکاری
۵	أخذ الأجرة على الواجبات	اجرت گرفتن برای کارهای واجب حرام است.	ایجاد تسهیل برای دستیابی به حداقل های لازم
۶	الإذن - الإذن في شيء إذن في لوازمه	اگر فردی اجازه تصرفی را داد، درحقیقت نیز اجازه داده برای تصرف هر موردی که طبیعتاً یا عرفاً برای رسیدن به آن لازم است.	دقیق سازی در تصمیمات
۷	اشتراط البلوغ في العقود و الإيقاعات	برای صحیح بودن عقد، طرفین باید بالغ باشند یا قیم داشته باشند.	اهمیت آگاهی در روابط
۸	الإشترک - اشترک التكليف	مشترک بودن مخاطبان حاضر در زمان تشریح با مکلفان غائب و در زمان های بعد	اثبات ابدیت تکالیف شرعی
۹	اصالة اللزوم في العقود و الإيقاعات - اللزوم	فسخ ناپذیری: بیان حالت طبیعی و عادی در عقود و ایقاعات	ایجاد استحکام در معاملات و روابط
۱۰	الاضطرار - الضرورات تبيح المحظورات	مباح شدن موارد غیرجایز در حال ضرورت	تسهیل در حالت اضطراری
۱۱	الإعانة على الإثم و	عدم جواز کمک کردن به گناه	جلوگیری از گناه

هدف مرکزی این قاعده	توضیح	نام قاعده	ردیف
		العدوان	
جلوگیری از هرج و مرج	اجرای حدود توسط حاکم	إقامة الحدود إلى من إليه الحكم	۱۲
تسهیل در مسئولیت‌ها	عدم ضمانت شخص در صورت اقدام طرف مقابل به ضرر	الإقدام	۱۳
عدم تضییع حقوق	اگر فردی اقراری علیه خودش کرد، اعمال آثار آن لازم می‌شود.	إقرار العقلاء - الإقرار	۱۴
ملاحظه روابط انسانی	اگر میتی ورثه نزدیک داشت، ارث به فامیل دورتر نمی‌رسد.	الأقرب يمنع الأبعد	۱۵
اهمیت آزادی انتخاب و تسهیل در مسئولیت‌پذیری	اگر فردی را به‌زور مجبور به کاری کردند، مسئول تبعات آن نخواهد بود.	الإكراه - رفع التكليف عن المكره	۱۶
ضرورت محاسبه آثار کارها	اگر کسی کاری را انجام داد و تبعاتی بدون اینکه او بخواهد برای آن ایجاد شد، باید مسئولیت تبعات را بپذیرد.	الإمتناع بالإختیار لا ینافی الإختیار	۱۷
ضرورت محاسبات عقلانی	در تصمیم‌گیری‌ها، محاسبه نفع و ضرر و ضریب آن‌ها باید صورت گیرد.	الأهم و المهم	۱۸
ترویج قبول امانت و امانت‌داری	اگر کسی امین قرار گرفت، ادعایش درباره امانت پذیرفته خواهد بود.	الائتمان - تصدیق الأمين فیما أوّتمن علیه	۱۹
اهمیت عمل طبق دستور	اگر در عبادت‌کردن تغییری ایجاد شود، باطل خواهد بود.	بطلان العبادة بكل زیادة و نقیصة	۲۰

در نمونه دیگری از امتدادگیری از مقاصد الشریعه راجع به قاعده‌سازی در فقه و تفقه‌ورزی چنین بیان

شده است: ۴۵

۱. هماهنگی و موافقت با اهداف دین، قرینه اعتباربخش بر خبر ضعیف می‌شود.
 ۲. مخالفت با اهداف دین، قرینه بر انصراف از ظهور مدلول ادله می‌شود.
 ۳. مخالفت با اهداف دین، مانع از انعقاد اطلاق در ادله می‌شود.
 ۴. اهداف دین به منزله دلیل حاکم بر ادله دیگر است.
 ۵. موافقت مضمون دلیل با اهداف دین، یکی از مرجحات هنگام تعارض دو دلیل می‌شود (همین‌طور می‌تواند مرجحی بر موارد تراجم باشد).
 ۶. موافقت با اهداف دین، قرینه تقویت‌کننده بر صدور دلیل از شأن ابلاغی شارع است (و مخالفت با اهداف، قرینه بر وجود شأن دیگری است).
 ۷. مخالفت دلیل با اهداف دین، قرینه بر تخصیص زمانی دلیل می‌شود (در زمان صدور، جهتی داشته است که الآن موجود نیست).
 ۸. از اهداف شارع می‌توان به کشف مناط دلیل نزدیک شد (تا بتوان دامنه دلیل را توسعه یا تضییق داد).
 ۹. از اهداف شارع برای تأسیس اصل می‌توان استفاده کرد.
 ۱۰. اهداف شارع، راهنمای قاضی و مفتی در خلأهای قانونی است.
۳. ۴. در مرحله سوم، از الگوی مقاصد الشریعه به علاوه مجموعه قواعد فقهی برابند گرفته می‌شود که شاخص‌های «اولویت‌گذاری» حاصل می‌شوند؛ اولویت‌گذاری‌ها در جرح و تعدیل و برابندگیری‌ها در تعارض‌ها و تراجم‌ها نقش اصلی را ایفا می‌کنند. نمونه‌ای از این اولویت‌بندی‌ها به صورت زیر است:^{۴۶}
۱. مصلحت مربوط به اصل دین و اسلام؛
 ۲. مصلحت مربوط به حفظ جان و عقل (با اولویت اجتماع و بعد خانواده و سپس فرد)؛
 ۳. مصلحت مربوط به حفظ آبرو و ناموس؛
 ۴. مصلحت مربوط به حفظ حقوق ذوی الحقوق (کسانی که مسئولیت آن‌ها با انسان است)؛
 ۵. مصلحت امنیت، سپس سلامت، سپس دانش و آگاهی، سپس مال؛
 ۶. مصلحت عمومی، سپس خصوصی؛

۴۶. علی‌دوست، فقه و مصلحت، تلخیص ۵۵۴ تا ۵۱۴؛ این شاخص‌ها در بحث «تراجم» در علم اصول فقه مطرح شده‌اند؛ مرجحات باب تراجم در این زمینه بسیار راه‌گشاست. برخی از این مرجحات عبارت‌اند از: ۱. کون أحدهما مقطوع الأهمية أو محتملها؛ ۲. أن یؤخذ القدرۃ الشرعیة فی موضوع أحد المتزاحمین دون الآخر؛ ۳. أن یکون لأحدهما بدل اختیاری دون الآخر؛ ۴. أن یکون لأحدهما بدل اضطراری؛ ۵. أن یکون وجوب أحدهما عینیا و الآخر کفاییا بالذات؛ ۶. أن یکون ظرف امتثال أحدهما و زمان إتیانه مقدما علی الآخر (مشکینی، اصطلاحات الاصول و معظم ایحانها، ۱۱۰).

۷. مصلحت پایدار و مستمر، سپس مصلحت موقت؛
 ۸. اولویت دفع مفسده بر جلب منفعت (محاسبه نفع و ضرر و ضرر و ضریب آن‌ها)؛
 ۹. ترجیح مصالح الزامی بر تحسینی؛
 ۱۰. ترجیح مصالح اخروی بر دنیوی؛
 ۱۱. ترجیح تسهیل بر تعسیر؛
- برای‌نگیری از مقاصد الشریعه و قواعد فقهی و مصالح، «عمومات فوقانی» را تشکیل می‌دهند که ستون فقرات تفقه و اجتهاد است و مقصود «اصل» در تعریف اجتهاد به «ردّ فرع الی الاصل»، (در مرحله دلیل‌یابی) همین عمومات فوقانی است.
۳. ۵. در مرحله چهارم از امتدادگیری، تطبیق عمومات فوقانی با اشباه و نظائر آن مسئله فقهی بررسی می‌شود؛ یعنی یک عام فوقانی، چه مصادیق و مسئله‌هایی را در فقه تحت خود قرار داده و تعیین حکم کرده است. در اغلب کتاب‌های «القواعد الفقهیه» پس از بحث در مفاد قاعده و ادله حجیت آن، به نمونه تطبیقات آن پرداخته شده است.
- در تعریف اشباه و نظائر آمده است که: موضوعات مختلفی که در یک حکم مشترک‌اند یا احکام مختلفی که به موضوعی در محلی تعلق دارند، شبه و نظیر یکدیگر شمرده می‌شوند.^{۴۷}
- استدلال به اشباه و نظائر برای اثبات حکم به‌صرف شباهت و همانندی، قیاس و از نظر فقهای امامیه باطل است، لیکن فقها برای بهتر فهمیدن حکم از دلیل و نزدیک شدن ذهن به واقع، از آن در فقه استدلالی به‌عنوان قرینه تکمیلی بهره گرفته‌اند. برخی فقیهان، کتابی مستقل در موضوع اشباه و نظائر تدوین کرده‌اند، مانند: «نزهة الناظر فی الجمع بین الاشباه و النظائر»، تألیف یحیی بن سعید حلی. حتی برخی محققان، در شروط اعلامیت در فقه چنین آورده‌اند: «المراد بالأعلم الأقوی ملکه و الاجود استنباطا لا الأكثر اطلاعا و حفظا نعم اکثریة الاطلاع علی الأشباه و النظائر قد یكون لها مدخلیة فی قوة الملکه و اجودیة الاستنباط فتعتبر من هذه الجهة»؛ شاخص فقیه اعلم، مهارت بیشتر در کشف مراد شارع است، نه وسعت معلومات او؛ البته احاطه بیشتر بر اشباه و نظائر می‌تواند زمینه‌ساز برای افزایش مهارت استنباط شود.^{۴۸}
- نمونه تعابیر فقها در استفاده از اشباه و نظائر برای صدور حکم، چنین است: «هذا هو الذی یساعد علیه التبادر و ملاحظه سائر الأشباه و النظائر المساوقة للآیه.»^{۴۹} «نمنع استبعاد اللزوم لوقوع الأشباه و

۴۷. هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه، ۴۹۸/۱.

۴۸. آل کاشف الغطاء، سفینه النجاة و مشکات الهدی، ۱۳/۱.

۴۹. لاری، التعلیقة علی المکاسب، ۲۷۹/۲.

النظائر الكثيرة له في الشرع»،^{۵۰} «السند هو اعتبار الشرع والعقلاء في الأشباه والنظائر»^{۵۱} در این مرحله، نسبت‌سنجی مسئله مورد بررسی، با فهرست واجبات و محرمات قطعی و فهرست مستحبات و مکروهات قطعی و صحت و فسادهای قطعی، از ابزارهای مناسب برای رد احتمالات نامناسب و کشف احتمالات مناسب‌تر است.^{۵۲}

۴. چگونگی کشف مذاق شارع (الگوریتم یا مراحل قدم‌به‌قدم)

بنابر مباحث فوق، برای کشف مذاق شارع در موضوعی که دلیل قطعی بر حکم آن یافت نشده باشد، براساس مناط قاعدة «الاقرب يمنع الابدع»،^{۵۳} مسیر برعکس مراحل امتدادگیری فوق‌الذکر باید طی شود؛ یعنی ابتدا گزاره‌های خاص و نزدیک به موضوع بررسی می‌شوند و سپس گزاره‌های عام. بنابراین، موضوع مدنظر، در قدم اول با اشباه و نظائر آن و فهرست واجبات و محرمات و صحت و فسادهای قطعی نسبت‌سنجی می‌شود، در قدم دوم با القواعد الفقهیه نسبت‌سنجی می‌شود، در قدم سوم با مقاصد الشریعه مقارنه می‌شود، در قدم چهارم با مبانی کلامی مقایسه می‌شود و در نهایت، اگر هیچ نسبت و تناسبی با موارد فوق یافت نشد، به سیره عقلا و عرف (اصل عملی عقلی) مراجعه می‌شود.

مسیر قدم‌به‌قدم این کار را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱. مسئله مورد بررسی، به اجزای آن تجزیه شود (موضوع، محمول، متعلقات آن‌ها).
۲. تعریف اجزای مسئله به دست آید. (اگر اجزای مسئله از مواردی هستند که در کتب فقهی (یا کتب مربوط به علمی که مسئله در فضای آن علم قرار دارد) تعریف دارند، به تعریف آن‌ها در کتب فقهی مراجعه شود و مواردی که به واسطه قیده‌های تعریف، خارج از تعریف شمرده شده‌اند، به عنوان اشباه و نظائر آن موضوع ثبت شود (مثلاً در تعریف هبه آمده است که عقد است. بنابراین، اباحه‌ای مانند «اطعام الضیف» از تعریف هبه خارج است؛ پس فضای اباحه، از موارد مشابه هبه است).
۳. هسته مفهومی^{۵۴} تعاریف در نظر گرفته شده و موضوعاتی که هم خانواده^{۵۵} با آن‌هاست، استقرا شود.

۵۰. لاری، التعلیقة علی المکاسب، ۳۳۸/۱.

۵۱. خمینی، التبیح، ۱۶۷/۴. این قلم تلاش کرده است در کتاب الگوریتم اجتهاد، مراحل قدم‌به‌قدم کشف اشباه و نظائر را به علاوه تطبیق بر نمونه‌ای فقهی ارائه کند (واسطی، الگوریتم اجتهاد، ۳۴۲ تا ۳۵۰).

۵۲. در این زمینه، مراجعه به این کتاب راه‌گشاست: «حدود الشریعه الواجبات والمحرمات»، محمد آصف محسنی، ۱۳۸۷، قم: نشر بوستان کتاب.
۵۳. این قاعده مربوط به باب ارث است، لکن استعاره گرفته شده است برای هر جا که حکم دایره‌مدار سنخیت و شدت و ضعف موضوع است، مانند: «الاعلم فالاعلم»، «الاعدل فالاعدل».

۵۴. مقصود از «هسته مفهومی»، جنس منطقی تعریف، به علاوه متعلق آن جنس است؛ مثلاً در تعریف زوجیت، «عقد یا اعتبار رابطه» جنس تعریف است و این جنس به «ارتباط بین مرد و زن» تعلق گرفته است (اما نوع رابطه که نکاح باشد، فصل تعریف است که در این مرحله با آن کار نداریم).

(با مراجعه به جدول ابواب فقه یا با استفاده از نرم‌افزار «درختواره فقه» یا نرم‌افزارهای معجم موضوعی کتب فقهی؛^{۵۶} مانند معجم موضوعی وسائل الشیعه یا شرایع الإسلام یا العروة الوثقی یا با مراجعه به فهرست موضوعات قرآنی و حدیثی^{۵۷} یا با مراجعه به «اصطلاح‌نامه‌ها» در علمی که مسئله در فضای آن علم قرار دارد).

۴. به محتوای هرکدام از عناوینی که در بالا ثبت شد، مراجعه شود و مسئله‌ای مشابه مسئله مورد بحث جست‌وجو شود (مثلاً در باب صدقه جست‌وجو شود که آیا رجوع از صدقه جایز است یا نه؟ یا در بحث هبه به ذی‌رحم، آیا رجوع جایز است؟)

۵. فهرست مسائل شبیه با حکم آن‌ها و فرق آن‌ها با مسئله مورد بحث، به‌عنوان خروجی قرینه تکمیلی براساس «اشباه و نظائر» ثبت شود.

۶. به منابع مربوطه به «فقه‌القرآن و آیات الأحکام» مراجعه و آیات محتملاً مرتبط با مسئله بحث بررسی شود.

۷. به منابع مربوط به «القواعد الفقهیه» مراجعه و قواعد خاص مربوط به باب متناسب با مسئله بحث استخراج شود.

۸. جدول قواعد فقهی عام در نظر گرفته شود و هرکدام از اجزای مسئله با تک‌تک سطرهای جدول قواعد فقه، مرور و تناسب‌های نزدیک، ثبت شود (دستیابی به عمومات فوقانی احتمالی).

۹. جدول اهداف دین در نظر گرفته شود و تعریف هر یک از اجزای مسئله با جدول اهداف دین مقایسه شود و نزدیک‌ترین هدف به موضوع مسئله و متعلق مسئله و قیود مسئله، از بین اهداف ذکر شده استخراج شود (مثلاً اقرب اهداف احتمالی به «هبه»، استحکام روابط اجتماعی است و اقرب اهداف به «زوجیت»، بقای نسل و آرامش روحی است).

۱۰. اجزای مسئله با هم ترکیب شود و صورت اصلی مسئله، با جدول اهداف مقایسه شود و ترکیب اهداف در مسئله استخراج شود (مثلاً در مسئله «هبه زوج به زوجه»، ترکیب احتمالی اهداف چنین می‌شود: «استحکام روابط خانوادگی به‌هدف ایجاد آرامش»)

۱۱. انواع حکم احتمالی برای مسئله در نظر گرفته شود (مثلاً در هبه زوج به زوجه، حکم جواز رجوع و

۵۵. مثلاً صدقه شبیه هبه، قرض شبیه هبه، وصیت شبیه هبه، عقد زوجیت شبیه عقد بیع، رجوع شبیه فسخ و خیارات و زوجیت شبیه رجوع است.

۵۶. بسته به فضای مسئله و موضوعی که مورد تحقیق قرار دارد (حدیثی، قرآنی، کلامی، فلسفی، تاریخی، جغرافیایی، طبی و...)، نرم‌افزار مرتبط انتخاب می‌شود؛ مثلاً معجم موضوعی میزان، معجم موضوعی تفاسیر، معجم موضوعی حکمت اسلامی، درختواره کلام اسلامی، معجم موضوعی بحار الانوار، معجم موضوعی ریاض المسائل.

۵۷. در مواردی که مسئله مورد بحث مستقیماً در فضای فقهی قرار ندارد.

عدم جواز رجوع، تصور می‌شود).

۱۲. آثار محتمل مثبت (مصلحت) بر هرکدام از حالات حکم حدس زده شود^۸ و این اثر، با جدول اهداف دین مقایسه شود که آیا نظیری دارد؟ (مثلاً اثر مثبت بر جواز رجوع می‌تواند از بین رفتن برخی عوامل استمرار اختلاف به واسطه احساس اتلاف اموال هبه شده باشد و این معنا با هدف رفع اختلافات در تشریح احکام مناسبت دارد).

۱۳. آثار محتمل منفی (مفسده) بر هرکدام از حالات حکم در نظر گرفته شود و این اثر، با جدول اهداف دین مقایسه شود که آیا نظیری دارد؟ (مثلاً اثر منفی جواز رجوع، ایجاد بغض در اثر صرف توجه واهب از موهوب الیه و در نتیجه گسست روحی خواهد بود که با هدف «استحکام روابط انسانی» در جدول اهداف دین، تنافی دارد).

۱۴. به ترتیب اهمیت‌ها در اهداف شارع مراجعه شود و میزان اهمیت آثار منفی و آثار مثبت بر هرکدام از حالات حکم استخراج شود (روش محاسبه چنین است: اثر منفی در کدام یک، تخریب بیشتری ایجاد می‌کند؟ و همچنین احتمال برطرف شدن اثر منفی در کدام یک بیشتر است؟) براساس برآیند موارد فوق، حکم به مذاق شارع در مسئله صادر شود.

۵. تطبیق روش ذکر شده در کشف مذاق شارع، بر مسئله «حکم رجوع زوج از هبه به زوجه بعد القبض و قبل التلف»

بررسی این مسئله با این فرض انجام می‌شود که در جمع دلالتی میان ادله باب مربوطه، نتیجه قطعی حاصل نشده باشد، لذا طبق مراحل فوق‌الذکر عمل می‌شود:

۱. ابتدا تعریف موضوع «هبه» و «زوجیت» احضار می‌شود. تعریف زوجیت عبارت است از: «اعتبار الارتباط بین الرجل و المرأة فی النکاح بالایجاب و القبول» و تعریف هبه عبارت است از: «اعتبار الواهب اعطاء ماله او حقه او منفعة له، بغير عوض، للموهوب له بشرط قبوله، من غير لحاظ قصد القرية». در تعریف هبه، مواردی به واسطه فصل‌های تعریف، از تعریف خارج شمرده شده‌اند، مانند: «الهبه عقد ثمرته تملیک العین منجزاً مجاناً مجرداً عن القرية، فتخرج العارية و الإجارة و الوصية و البیع و شبهه و الصدقة بأنواعها و یعبر عنها بوهبت و ملک و اهدیت و نحل و أعطیت و تسمى نحللاً و هذا لک مع القصد فی ذلك کله»^۹.

۵۸. تلاش برای کشف دلالت‌های التزامی و نسبت‌سنجی آن‌ها با مقاصد منصوص.
۵۹. شهید اول، موسوعه، ۲۲۹/۱۰.

۲. هسته مفهومی تعاریف استخراج می‌شود: هسته مفهومی زوجیت؛ اعتبار ارتباط بین الرجل و المرأة (عقد بین الرجل و المرأة)

و هسته مفهومی هبه؛ اعتبار اعطاء المال (لا التملیک) است.

موضوعات هم خانواده هریک را با مراجعه به جدول ابواب فقه و نرم‌افزارهای موضوعی (قسمت مرتبطات) استقرا می‌کنیم: ^{۶۰} موضوعات هم خانواده یا ضد با زوجیت و نکاح عبارت‌اند از: بیع (به معنای عام که شامل تمام اقسام مبادله می‌شود)، ذی‌رحم، طلاق. ^{۶۱} موضوعات هم خانواده با هبه عبارت‌اند از: بذل، صدقه، عطیه، الرشوه، البیع، العمری، النحلہ، عاریه، اجاره، وصیت.

۳. به محتوای هر کدام از عناوینی مشابه هبه، مراجعه و مسئله‌ای مشابه مورد بحث جست‌وجو می‌شود: مثلاً بررسی حکم رجوع در صدقه: «المشهور بین الأصحاب عدم جواز الرجوع فی الصدقة بعد القبض، سواء كانت فرضاً أو نفلاً، وقال الشيخ فی المبسوط: صدقة التطوع بمنزلة الهبة فی جميع الأحكام» ^{۶۲} یا بررسی حکم «رجوع در هبه به ذی‌رحم» که فقها حکم به عدم جواز رجوع داده‌اند. براساس عملیات فوق، می‌توان گفت: المتفاهم من الأشباه و النظائر، هو عدم جواز الرجوع.

۴. موضوع هبه و زوجیت، به مجموعه آیات الأحکام عرضه می‌شود تا تناسب‌های نزدیک استخراج شود، به کتاب‌هایی مانند: کنز العرفان فی فقه القرآن، اثر فاضل مقداد، زبدة البیان فی احکام القرآن، اثر مقدس اردبیلی، فقه القرآن، اثر راوندی مراجعه شد و مورد زیر که نسبتاً مربوط به بحث است یافت شد: «الهبة جائزة لكتاب الله و للسنة فالكتاب قوله تعالى: تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ ^{۶۳} و الهبة من البر» ^{۶۴} که این تعبیر دلالت بر جواز رجوع دارد. لکن آیه شریفه «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَ آتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَ بِهَتَانَا وَ إِثْمًا مُّبِينًا»، ^{۶۵} براساس عمومیت نهی از اخذ (نکره در سیاق نفی)، به حسب ظاهر، دلالت بر هرگونه اعطاء از سوی زوج دارد؛ لکن بر خصوص مهریه حمل شده است.

۶۰. نرم‌افزار نور الشریعه که حاوی شرایع و شروح آن است، بیشترین نمایه‌ها و مرتبطات را ارائه کرده است و همچنین نرم‌افزار نور الفقاهه، در قسمت کتاب مکاسب، به سبب وسعت تحلیل‌های کتاب مکاسب، بیشترین مرتبطات را در باب عقود و معاملات ارائه کرده است.

۶۱. بررسی موارد «ضد»، از جمله قرآنی است که از باب «تُعرف الأشياء باضدادها»، برای کشف الاشباه و النظائر راه‌گشاست.

۶۲. صیمری، غایه المرام، ۳۸۹/۲.

۶۳. مانند: ۲.

۶۴. راوندی، فقه القرآن، ۲۹۵/۲.

۶۵. نساء: ۱۹.

نتیجه اولیه از بررسی آیات الأحکام احتمالاً مرتبط با بحث این است که: ترجیحی برای عدم جواز رجوع در هبه زوجین به یکدیگر به نظر می‌رسد.

۵. به کتاب نضد القواعد الفقهیه، اثر فاضل مقداد مراجعه شد تا بررسی شود که آیا قاعده خاصی وجود دارد در باب هبه یا باب نکاح و زوجیت که تناسب بیشتری با مسئله داشته باشد یا نه؟ نتیجه بررسی این بود که ارتباط معناداری یافت نشد. به کتاب القواعد و الفوائد، اثر شهید اول مراجعه شد، مورد زیر که نسبتاً مرتبط با بحث بود یافت شد:

«قاعدة ۲۴۳: الأصل فی البیع اللزوم، و کذا فی سائر العقود. و یرجح عن الأصل فی مواضع لعلل خارجة: ... الهبة فی بعض صورها، لا تنظام المصالح بجوازها و إلا لرغب عنها أكثر الناس، للمشقة بلزومها.....»^{۶۶}

به کتاب‌های عوائد الایام و القواعد الفقهیه، اثر نراقی مراجعه شد، مورد متناسب با بحث یافت نشد (غیر از تکرار قاعده ذکر شده از شهید اول)، به کتاب العناوین الفقهیه، اثر مراغی مراجعه و مورد زیر یافت شد: «أن الهبة قد تكون لازمة، كما فی هبة ذی الرحم و الزوجین»^{۶۷}.

نتیجه اولیه از بررسی قواعد فقهی خاص احتمالاً مرتبط با بحث این است که: ترجیحی برای عدم جواز رجوع در هبه زوجین به یکدیگر به دست نیامد.

۶. موضوع هبه و زوجیت، به جدول قواعد فقه عرضه شد تا تناسب‌های نزدیک استخراج شود؛ در نتیجه این عرضه، موارد زیر دارای تناسب نزدیک با مسئله هستند:

قاعده احترام مال المسلم: نحوه ربط احتمالی؛ هبه هویت تملیک ندارد، لذا واهب می‌تواند براساس قاعده احترام، مالش را پس بگیرد (شاهد به نفع حکم به جواز رجوع).

قاعده احسان: نحوه ربط احتمالی؛ کسی که هبه کرده است، مصداق محسن است؛ لذا اگر پس گرفت «ما علی المحسنین من سبیل» بر او جاری است (شاهد به نفع حکم به جواز رجوع).

قاعده اسقاط الحق: نحوه ربط احتمالی؛ کسی که هبه کرده است، حق خود را در تصرف در موهوب، اسقاط کرده است و رجوع در هبه، نوعی تصرف است و لذا حق رجوع ندارد.

قاعده اقدام: نحوه ربط احتمالی؛ کسی که هبه کرده است، در حقیقت، اقدام به رفع ید از مال خود کرده است و طبق قاعده اقدام باید متحمل ضررش شود که همان عدم جواز رجوع است.

قاعده تبعیة العقود للقصود: نحوه ربط احتمالی؛ در هبه، قصد تملیک وجود ندارد، لذا واهب حق

۶۶. شهید اول، موسوعه، ۴۱۱/۱۵.

۶۷. حسینی مراغی، العناوین الفقهیه، ۱۶۳/۲.

رجوع دارد.

قاعده تسلیط: نحوه ربط احتمالی؛ شک داریم که در هبه، تملیک صورت می‌گیرد یا نه، لذا رجوع می‌کنیم به قاعده فوقانی که تسلیط است؛ پس واهب حق استرجاع هبه خود را دارد (شاهد به نفع حکم به جواز رجوع).

قاعده العدل و الانصاف: نحوه ربط احتمالی؛ انصاف این است که در هبه، واهب از مال خود صرف نظر می‌کند، لذا حق ملکیت از او ساقط می‌شود؛ پس حق رجوع ندارد.

قاعده المومنون عند شروطهم: نحوه ربط احتمالی؛ هبه کردن، درحقیقت، نوعی تعهد و شرط عرفی است که واهب بدان ملتزم شده است که مال خود را در اختیار موهوب‌له قرار دهد و این تعهد و شرط، مقید هم نیست؛ لذا باید به تعهد خود عمل کند و حق پس گرفتن ندارد.

از هشت قاعده فوق، پنج قاعده تناسب بیشتری با عدم جواز رجوع دارند، لذا براینده احتمالات فوق در ارتباط با قواعد فقهی، به نفع عدم جواز رجوع در هبه است.

۷. به مرحله نسبت‌سنجی با اهداف دین و مقاصد الشریعه، منتقل (بررسی نزدیک‌ترین هدف از جدول اهداف دین نسبت به هر یک از اجزا) و هر یک از اجزای اصلی با جدول اهداف، سنجیده می‌شود: نسبت به زوجیت: تصریح آیه شریفه: «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛^{۶۸} تناسب با هدف «هموارسازی زندگی ظاهری و باطنی» و هدف «ایجاد زمینه لطافت روحی» دارد. بنابراین، هرچه سبب ناهمواری و اضطراب و به خصوص سبب «عدم المودة» شود، نقض غرض شارع است.

نسبت به هبه: تناسب با هدف «همدلی، همیاری، استحکام روابط»؛ تمام آنچه سبب ایجاد کدورت شود، مخالف با غرض شارع است.

با ترکیب اجزای مسئله (هبه زوج به زوجه و بالعکس)، ترکیب اهداف اجزا بدین صورت می‌شود: «ایجاد آرامش و استحکام در روابط خانوادگی»؛ پس هرچه سبب تزلزل این آرامش و استحکام شود، خلاف غرض شارع است.

۸. در نظر گرفتن انواع احتمالی آثار حکم در مسئله: آثار مثبت بر جواز رجوع می‌تواند از بین رفتن برخی عوامل استمرار اختلاف به واسطه احساس اتلاف اموال هبه‌شده باشد و این معنا، با هدف رفع اختلافات در تشریح احکام مناسبت دارد.

آثار مثبت بر عدم جواز رجوع: عدم ایجاد کدورت و سوءظن راجع به طرف مقابلی که هدیه داده است.
 ۹. آثار محتمل منفی (مفسده) بر هر کدام از حالات حکم و مقایسه آن با جدول اهداف: اثر منفی در جواز رجوع: ایجاد بغض در اثر صرف توجه واهب از موهوب الیه و در نتیجه، گسست روحی خواهد شد که با هدف «استحکام روابط انسانی» در جدول اهداف دین، تنافی دارد؛ اثر منفی در عدم جواز رجوع: استمرار اختلاف به واسطه احساس اتلاف اموال هبه شده و تنافی این اثر با هدف «رفع اختلافات» در جامعه در جدول اهداف دین.

۱۰. برابندگیری براساس روش ارائه شده (أ. اثر منفی، در کدام یک تخریب بیشتری ایجاد می کند؟ ب. احتمال برطرف شدن اثر منفی، در کدام یک بیشتر است؟): اثر منفی ایجاد کدورت و سوءظن که ممکن است منجر به تزلزل خانواده شود، تخریب بیشتری ایجاد می کند و به طور عرفی، احتمال تخریب های فوق العاده که ممکن است در اثر احساس اتلاف اموال هبه شده در واهب پیش آید، کم است. پس حکم به عدم جواز استرجاع هبه، با مقاصد الشریعه سازگارتر است.

احتمال برطرف شدن اثر منفی حاصل از استرجاع هبه (کدورت بین زوجین) در فضای زوجیت، به طور عرفی بیشتر است؛ ولی احتمال برطرف شدن اثر منفی حاصل از عدم جواز استرجاع هبه (تعمیق کدورت ایجاد شده از قبل، به واسطه احساس تلف شدن اموالی که هبه کرده است)، به طور عرفی کم است؛ پس حکم به جواز رجوع در هبه، با مقاصد الشریعه سازگارتر است.

در موازنه میان ایجاد اثر تخریبی و احتمال برطرف شدن اثر منفی، عقل ملاحظه ایجاد اثر تخریبی را مقدم می دارد؛ پس در بررسی اولیه، حکم به عدم جواز رجوع در هبه با مصالح سازگارتر است.

ترکیب نتایج نسبت سنجی با اشباه و نظائر، نسبت سنجی با قواعد و عموماً فوقانی، نسبت سنجی با مقاصد الشریعه، نسبت سنجی با مصالح و اولویت ها نشان می دهد که شاید بتوان گفت: «مذاق شارع، عدم جواز رجوع در هبه زوجین به یکدیگر است.»

نکته مهم: این نتیجه گیری در مرحله احتمال پردازی و کشف قراین است، نه در مرحله صدور فتوا. در فقه شیعه، صرفاً براساس این تحلیل ها نمی توان فتوا داد؛ بلکه این تحلیل ها پس از مرحله تحلیل ادله و در مرحله «جمع ادله» به عنوان قراین تکمیلی به کار می روند که خروجی های آن ها در لسان فقها به صورت احوط، اقوی، اظهر و... بیان می شود. همچنین اگر محقق نظر مخالف این نتیجه داشته باشد نیز باید طبق همین روش، نتیجه مخالف را به اثبات برساند (یعنی مناقشه صغروی است).

نتیجه‌گیری

«مذاق شارع»، از مستندات پرتکرار در تحلیل‌های فقهی است، به‌گونه‌ای که در برخی موارد به‌عنوان دلیل مستقل اقامه شده یا قرینه بر انصراف از ظهور مدلول ادله قرار گرفته یا مانع از انعقاد اطلاق در ادله شده است یا اینکه موافقت مضمون دلیل با آن، یکی از مرجحات هنگام تعارض دو دلیل بوده یا اینکه همسویی با آن، قرینه تقویت‌کننده بر صدور دلیل از شأن ابلاغی شارع تلقی شده است. با وجود این، سرفصل مستقلی در کتب فقهی و اصولی برای تنقیح این مبحث منعقد نشده است؛ لذا به‌هدف دقیق‌سازی عملیات استنباط تلاش شد تا چستی مذاق شارع، بازتعریف شود و چگونگی دستیابی به آن به‌صورت قدم‌به‌قدم تشریح شود و حاصل آنکه:

ا. «مذاق شارع» در حداقل حالت، برابری نظام نگرشی و قانونی شارع است که از اصول کلامی، قواعد فقهی، اهداف دین، بررسی احکام مشابه و مرزهای تکلیفی (واجبات و محرمات) تشکیل شده است.

ب. مذاق شارع، اعم از مقاصد الشریعه و قواعد فقهی و مصالح است.

ج. مذاق شارع، درخور دقیق‌سازی است.

د. برای اکتشاف مذاق شارع باید چهارده مرحله به‌ترتیب اجرا شود که احراز تناسب آثار حکم محتمل، با اهداف دین و عمومات فوقانی (هم در آیات و هم روایات)، هسته مرکزی آن است.

ه. پس از طی مراحل فوق، احتمال اینکه مذاق شارع کشف نشود یا چیزی غیر از خروجی مراحل چهارده‌گانه باشد، عملاً منتفی است و به نظر می‌رسد با ظن اطمینانی می‌توان به مذاق کشف‌شده استناد کرد.

نکته بسیار مهم پایانی اینکه تشخیص معانی و تطبیق بر مصادیق، نیازمند احاطه و ممارست با ادله است و درنهایت نیز فهم مراد شارع که ربط وحدت و کثرت، تکوین و تشریح را برقرار کرده است، بدون ذوق فضای وحدت و ملکوت الهی (قوة قدسیه) به سرانجام نخواهد رسید. مباحث روش‌شناسانه و الگوریتمی، فرمول اجتهاد و فقاهت نیست؛ بلکه صرفاً ابزاری برای دقیق‌سازی در استنباط و تفقه است و به‌عنوان یک فقیه‌یار تلقی می‌شود.

منابع

قرآن کریم

ابن بابویه، محمد بن علی. کتاب من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسه النشر الإسلامی. ۱۳۶۳.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. تحف العقول. قم: جامعه مدرسین. ۱۴۰۴ق.

- اصفهانى، محمدحسين. حاشية المكاسب. قم: ذوى القربى. ۱۴۲۷ق.
- امام على عليه السلام. نهج البلاغه. تصحيح: صبحى صالح. قم: دار الهجرة. ۱۴۱۲ق.
- انصارى، مرتضى بن محمدامين. المكاسب. قم: كنگره شيخ انصارى. ۱۴۱۵ق.
- ايمان، محمدتقى. فلسفه روش تحقيق در علوم انسانى. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ۱۳۹۳.
- آل كاشف الغطاء، احمد. سفينة النجاة و مشكاة الهدى. نجف: مؤسسه كاشف الغطاء. ۱۴۲۳ق.
- آمدى، عبدالواحد بن محمد. غرر الحكم و درر الكلم. قم: دار الإسلام. ۱۴۱۰ق.
- حسين زاده، حسين. پارادایم، افسانه یا واقعیت؟ قم: مؤسسه امام خمینی. ۱۳۹۶.
- حسینی مراغی، عبدالفتاح بن علی. العناوین الفقهیة. قم: مؤسسه النشر الإسلامی. ۱۴۱۷ق.
- حکمت‌نیا، محمود. «مذاق شریعت»، فقه و حقوق اسلامی. ش. ۹، ۱۳۸۵، ۱۱ تا ۲۸.
- حلی، حسین. دلیل العروة الوثقی. نجف: مطبعة نجف. ۱۳۳۸.
- خمینی، روح‌الله. کتاب البیع. تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی. ۱۳۹۲.
- دانشگاه آکسفورد. فرهنگ‌نامه ریاضیات آکسفورد. لندن: دانشگاه آکسفورد. ۲۰۰۹م.
- رشاد، علی‌اکبر. نظریه ابتناء. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۱۳۸۹.
- ریسونی، احمد. اهداف دین از دیدگاه شاطبی. مترجم: محمدعلی ابهری، حسین اسلامی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. ۱۳۷۶.
- شاطبی، ابراهیم بن موسی. الموافقات. بیروت: دارالمعرفة. ۱۴۳۱ق.
- شهید اول، محمد بن مکی. موسوعة الشهيد الاول. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة. ۱۴۳۰ق.
- صاحب‌جواهر، محمدحسن بن باقر. جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی. ۱۴۲۱ق.
- صیمری، مفلح بن حسن. غایة المرام فی شرح شرایع الإسلام. بیروت: دار الهادی. ۱۴۲۰ق.
- ضیایی فر، سعید. فلسفه علم فقه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ۱۳۹۲.
- عشایری منفرد، محمد. «چیستی مذاق شریعت و آسیب‌شناسی فقهی آن»، فقه اهل بیت. ش. ۷۳، ۱۳۹۲، ۱۱۵ تا ۱۳۹.
- علیدوست، ابوالقاسم. فقه و مصلحت. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۱۳۸۸.
- علی‌شاهی، ابوالفضل. مفهوم و حجیت مذاق شریعت در فرآیند استنباط احکام فقهی. قم: بوستان کتاب. ۱۳۹۰.
- عندلیب همدانی، محمد، حمید ستوده. «مذاق شریعت، جستاری در اعتبارسنجی و کارآمدی»، فقه اهل بیت علیهم السلام. ش. ۷۰، ۱۳۹۱، ۱۰۶ تا ۱۴۱.
- فرهنگستان ادب فارسی. فرهنگ‌واژه‌های مصوب. دفتر اول. تهران: فرهنگستان ادب فارسی. ۱۳۷۶.

- قادری، سیدرضی. «مذاق شرع در کیفیت و اعتبار». فقه. س ۲۰، ش ۴، ۱۳۹۲، ۷۸ تا ۹۰.
- کاشف‌الغطاء، جعفر. کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء. اصفهان: مهدوی. بی‌تا.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب. الکافی. قم: دار‌الحديث. ۱۳۸۷.
- لاری، عبدالحسین. التعلیقة علی المکاسب. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه. ۱۴۱۸ق.
- لجنة الفقه المعاصر. الفائت فی اصول الفقه. قم: مرکز مدیریت حوزه قم. ۱۳۹۸.
- مشکینی، علی. اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها. قم: الهادی. ۱۳۷۴.
- علی‌بن‌موسی (ع)، امام هشتم. صحیفه الرضا. مشهد: کنگره جهانی امام رضا (ع). ۱۴۰۶ق.
- نوری، حسین. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: آل‌البيت (ع). ۱۴۰۸ق.
- واسطی، عبدالحمید. الگوریتم اجتهاد. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۱۴۰۱.
- واسطی، عبدالحمید. «ماهیت‌شناسی الگوریتم اجتهاد»، جستارهای فقهی و اصولی. س ۶، ش ۱۹، ۱۳۹۹، ۲۲۱ تا ۲۴۷. (کد آرکید: 10.22034/JRJ.2020.55765.1858)
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی. ۱۳۸۲.

Transliterated Bibliography

- Āl Kāshif al-Ghiṭā', Aḥmad. *Safīnat al-Najāt wa Mishkāṭ al-Hudā*. Najaf: Mū'assisa Kāshif al-Ghiṭā'. 2002/1423.
- 'Alī ibn Mūsā(AS), Imām Hashtum. *Ṣaḥīfah al-Riḍā*. Mashhad: Kungirah-yi Jahānī Imām Riḍā(AS). 1986/1406.
- 'Alī Shāhī, Abū al-Faḥr. *Mafhūm va Hujjīyat-i Mazāq-i Sharī'at dar Farāyand-i Istibāt-i Ahkām-i Fiqhī*. Qum: Būstān Kitāb. 2012/1390.
- 'Alfīdūst, Abū al-Qāsim. *Fiqh va Maṣliḥat*. Tehran: Pazhūhishgāh Farhang va Andīshih-yi Islāmī. 2010/1388.
- Āmidī, 'Abd al-Wāḥid ibn Muḥammad. *Ghurar al-Ḥikām va Durar al-Kalim*. Qum: Dār al-Islām. 1990/1410.
- 'Andalīb Hamadānī, Muḥammad, Ḥamīd Sutūdiḥ. "Mazāq-i Sharī'at, Justārī dar I'tibārsanjī va Kārāmādī", *Fiqh Āl al-Bayt(AS)*. no. 70, 1971/1391, 106-141.
- Anṣārī, Murtaḍā ibn Muḥammad Amīn. *al-Makāsib*. Qum: Kungirah-yi Shaykh Anṣārī. 1995/1415.

‘Ashāyri munfarid. Muḥammad. “Chīstī Mazāq-i Sharī‘at va Āsībshināsī Fiqhī ān”, *Fiqh Āl al-Bayt*. no. 73, 1972/1392, 115-139.

Farhangistān-i Adab Fāsī. *Farhang-i Vāzhah-hā-yi Muṣavvab*. Daftar-i Avval. Tehran: Farhangistān-i Adab-i Fāsī. 1998/1376.

Hāshimī Shāhrūdī, Sayyid Maḥmūd. *Farhang-i Fiqh Muṭābiq-i Mazhab-i Ahl-i Bayt(AS)*. Qum: Mū‘assisa Dāyrah al-Ma‘ārif-i Fiqh-i Islāmī. 2004/1382.

Hikmatnīyā, Maḥmūd. “Mazāq-i Sharī‘at”. *Fiqh va Huqūq Islāmī*. no. 9, 2007/1385. 11-28.

Hillī, Ḥusayn. *Dalīl al-‘Urwa al-Wuthqā*. Najaf: Maṭba‘a Najaf. 1960/1338.

Ḥusaynī Marāghī, ‘Abd al-Fattāh ibn ‘Alī. *al-‘Anāvin al-Fiqhīyah*. Qum: Mū‘assisa al-Nashr al-Islāmī. 1996/1417.

Ḥusaynzādih, Ḥusayn. *Pārādāym, Afsānah yā Vāqi‘iyat?* Qum: Mū‘assisah-yi Imām Khumaynī. 2018/1396.

Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn ‘Alī. *Kitāb Man Lā Yahḍuruh al-Faqīh*. Qum: Mū‘assisa al-Nashr al-Islāmī. 1985/1363.

Ibn Shu‘bah Ḥarrānī, Ḥasan ibn ‘Alī. *Tuḥaf al-‘Uqūl*. Qum: Jāmi‘ah al-Mudarrisīn. 1984/1404.

Imām ‘Alī(AS). *Nahj al-Balāghah*. ed. Ṣubḥī Ṣāliḥ. Qum: Dār al-Hijrah, 1992/1412.

Īmān, Muḥammad Taqī. *Falsafah Ravish Taḥqīq dar ‘Ulūm-i Insānī*. Qum: Pazhūhishgāh Ḥawzah va Dānishgāh. 2015/1393.

Isfahānī, Muḥammad Ḥusayn. *Hāshīya al-Makāsib*. Qum: Dhawil al-Qurbā. 2006/1427.

Kāshif al-Ghiṭā’, Ja‘far. *Kashf al-Ghiṭā’ ‘an Mubḥamāt al-Sharī‘a al-Gharrā’*. Isfahān: Mahdawī. s.d.

Khumaynī, Rūḥ Allāh. *Kitāb-i al-Bay’*. Tehran: Mū‘assisah-yi Āṣār-i Imām Khumaynī. 2014/1392.

Kulīnī, Muḥammad ibn Ya‘qūb. *al-Kāfī*. Qum: Dār al-Ḥadīth. 2009/1387.

Lajnat al-Fiqh al-Mu‘āṣir. *al-Fā‘iq fī Uṣūl al-Fiqh*. Qum: Markaz-i Mudīrīyat-i

Hawzah-yi Qum. 2020/1398.

Lārī, ‘Abd Ḥusayn. *al-Ta’līqā ‘alā al-Makāsib*. Qum: Mū’assisa al-Ma’ārif al-Islāmīyya. 1997/1418.

Mishkīnī, ‘Alī. *Iṣṭilāḥāt al-Uṣūl wa Mu’ẓam Abḥāthihā*. Qum: al-Hādī. 1996/1374.

Nūrī, Ḥusayn. *Mustadrak al-Wasā’il wa Mustanbat al-Masā’il*. Qum: Āl al-Bayt(AS). 1988/1408.

Qādirī, Sayyid Razī. “Mazāq-i Shar‘ dar Kiyfiyat va I’tibār”. *Fiqh*. yr. 20, no. 4, 1972/1392, 78-90.

Qurān-i Karīm

Rashd, ‘Alī Akbar. *Naẓariyah-yi Ibtinā’*. Tehran: Pazhūhishgāh Farhang va Andīshih-yi Islāmī. 2011/1389.

Raysūnī, Aḥmad. *Aḥdāf-i Dīn az Dīdgāh-i Shāṭibī*. Translated by Muḥammad ‘Alī Abharī, Ḥusayn Islāmī. Qum: Daftar-i Tabliḡāt-i Islāmī. 1998/1376.

Shāhib Jawāhir. Muḥammad Ḥasan ibn Bāqir. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharāy’ al-Islām*. Mū’assisa Dāyrah al-Ma’ārif-i Fiqh-i Islāmī. 2000/1421.

Ṣaymarī, Muflīḥ ibn Ḥasan. *Ghāyat al-Marām fī Sharḥ Sharā’i’ al-Islām*. Beirut: Dār al-Hādī. 1999/1420.

Shahīd Awwal, Muḥammad ibn Makkī. *Mausū’a al-Shahīd al-Awwal*. Qum: Mū’assisa al-Ma’ārif al-Islāmīyya. 2009/1430.

Shāṭibī, Ibrāhīm ibn Mūsā. *al-Muwāfaqāt*. Beirut: Dār al-Ma’rifa. 2010/1431.

University of Oxford. *Farhangnāmah-yi Riyāzīyāt Oxford*. Landan: University of Oxford. 2009/1430.

Vāsiṭī, ‘Abd al-Ḥamīd. “Māhīyatshināsī Algūrītm Ijtihād”, *Justār-hā-yi Fiqhī va Uṣūlī*. yr. 6, no. 19, 2021/1399, 221-247.

Vāsiṭī, ‘Abd al-Ḥamīd. *Algūrītm Ijtihād*. Tehran: Pazhūhishgāh Farhang va Andīshih-yi Islāmī. 2023/1401.

Żiyā ĩfar, Sa’īd. *Falsafah-yi ‘Ilm-i Fiqh*. Qum: Pazhūhishgāh Ḥawzah va Dānishgāh. 1972/1392.